



چکیده

خلیج فارس دریای نیمه بسته‌ای است که هشت کشور بر کرانه‌های آن قرار گرفته‌اند. ایران بیشترین طول ساحل را داراست و می‌توان گفت پیش از نیامی از ساحل خلیج فارس از آن کشورها می‌باشد. این پهنه آبی نیلگون و در عین حال زیبا، دارای شرایط ویژه طبیعی و سیاسی است. خلیج فارس از طریق تنگه هرمز و دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط آبی دارد. بستر خلیج فارس تماماً فلات قاره محسوب می‌شود که بر اساس کاوشهای صورت گرفته دارای منابع عظیم هیدروکربنی است و بخش قابل توجهی از آن کشف شده و در حال استخراج می‌باشد. کشورهای ساحلی خلیج فارس بزرگترین مخزن انرژی جهان را تشکیل می‌دهند. بیش از ۶۵ درصد نفت و بیش از ۳۸ درصد گاز دنیا از آن این منطقه ژئوپلیتیکی است. در حال حاضر بیش از ۲۸ درصد نفت دنیا از این منطقه تأمین می‌شود. با توجه به اتمام نفت در مناطق دیگر دنیا اهمیت نفت خلیج فارس بیشتر خواهد شد و سهم آن در تولید نفت آینده جهان بیشتر خواهد گردید. بیش از ۸۰ درصد نفت تولیدی منطقه خلیج فارس توسط نفتکش‌های غول پیکر و از طریق این گستره آبی حمل می‌شود. محیط زیست خلیج فارس تحت تأثیر این وضعیت در حال تخریب شدن است. وجود مسائل دیگری چون تغییر فیزیک ساحل، رهاکردن فاضلاب‌های شهری و صنعتی و برداشتن تخریب محیط زیست این دریا را تشدید می‌کند. کشورهای سواحل جنوبی بدون توجه به شرایط طبیعی و ویژه خلیج فارس در حال ایجاد تغییراتی در سواحل هستند که ضمن بروز مشکلات حقوقی در آینده، آلودگی‌های بیشتری را به وجود خواهند آورد. گسترش پدیده شهرنشینی و افزایش جمعیت نیز باعث می‌شود خلیج فارس دچار مسائل زیست محیطی بیشتری گردد. این مقاله تلاش می‌کند ضمن تشریح وضعیت جغرافیایی خلیج فارس عوامل مؤثر در محیط زیست آن را مورد بررسی قرار دهد.

کلمات کلیدی: خلیج فارس، اکوسیستم‌های دریایی، فلات قاره، انرژی محیط زیست.

مقدمه

به لحاظ طبیعی خلیج فارس به عنوان دریایی نیمه بسته، قسمت حاشیه‌ای اقیانوس هند را تشکیل می‌دهد. محیط اکولوژیک منطقه خلیج فارس متأثر از عوامل طبیعی و غیر طبیعی است که عوامل طبیعی دارای تأثیرات مهم‌تری می‌باشند ولی در حال حاضر تأثیر عوامل غیر طبیعی در حال تقویت است. تحولات اجتماعی از منظر جغرافیای انسانی و تحولات سیاسی از منظر جغرافیای سیاسی در این منطقه دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده و به همین خاطر زمینه‌های مساعدی جهت مطالعه و بررسی فراهم کرده است. نقش حوزه خلیج فارس در مناسبات بین‌المللی تاریخی است و به آغازین سالهای شکل‌گیری جاده بین‌المللی ابریشم باز می‌گردد. با پیشرفت فناوری و علم اگر چه فاصله جغرافیایی اهمیت حیاتی خود را از دست داده، اما این منطقه همچنان از جایگاه ویژه در معادلات سیاسی برخوردار می‌باشد. وجود عامل گرانبها و پرارزشی چون نفت خود به خود برای رفیع‌تر کردن این جایگاه کافی است. این ماده حیاتی که جان صنایع جهان است طبق برآوردهای صورت گرفته حداقل تا ربع اول قرن بیست و یکم باعث چرخش نگاه‌های جهانی به سوی منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس خواهد شد. این منطقه هم اکنون در حال تبدیل شدن به رأس بزرگترین مسیر انتقال انرژی در جهان است. علاوه بر موضوع انرژی، منطقه خلیج فارس دارای مسائل دیگری چون کمبود آب و وجود اختلافات ارضی و مرزی در بین کشورهای منطقه می‌باشد. بخش قابل توجهی از مرزهای بین‌المللی در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس تحدید حدود نشده‌اند و زمینه ساز چالش‌های سیاسی می‌باشند. مدل امنیتی قابل قبولی در این منطقه شکل نگرفته و مدل‌های امنیتی موجود عمدتاً بیرونی بوده و بدون توجه به آمیزه‌های بومی و منطقه‌ای شکل گرفته‌اند.

جغرافیای طبیعی خلیج فارس

خلیج فارس میراث تحولات زمین شناختی دوران سوم است و سنی بیش از ۳۵ میلیون سال دارد. در ابتدای تشکیل، مساحتی به مراتب بیش از امروز داشته به طوری که قسمت بیشتر جلگه‌های برازجان، بهبهان و خوزستان تا کوه‌های زاگرس تا اواخر دوران سوم زمین‌شناسی در زیر آب بوده‌اند و رودهای دجله و فرات جدا جدا به آن دریا می‌ریخته‌اند (یعمانی، وزارت فرهنگ). خلیج فارس بین عرض شمالی ۲۳ الی ۳۰ درجه و طول شرقی ۴۸ تا ۵۶ درجه واقع شده است. مساحت آن ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع است و ۶۲ صدم درصد

محیط زیست

خلیج فارس

رویگردی

پُر اهمیت در

ژئوپلیتیک

منطقه

دکتر سهراب عسگری

استایار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، مرکز اراک

جغرافیای تاریخی خلیج فارس

خلیج فارس تاریخ پر فراز و نشیبی دارد و سرگذشت آن مملو از حوادث کوچک و بزرگ و کرانه‌های آن بستر اتفاقات و تحولات تلخ و شیرین فراوانی بوده است. ایرانیان بسیاری به طرز شگفت آوری زندگی خود را به حیات خلیج فارس گره زده و بر کرانه‌های آن به دنبال جاودانگی و ادامه زندگی، جان خود را نثار کرده‌اند.

خلیج فارس دارای قدمت طولانی در زمینه زندگی نوع بشر می‌باشد. نزدیکی به محلهای شکل‌گیری تمدنهای عصر باستان در سند، بین النهرین و نیل برای این دریا اهمیت ویژه‌ای را خلق کرده است. بسیاری را عقیده بر این است که خلیج فارس یکی از قدیمی‌ترین دریاهایی است که انسان متمدن شناخته است. ایرانیان از زمان تشکیل اولین امپراتوری، نفوذ خود را در خلیج فارس بسط دادند. قبل از ورود آریایی‌ها، این دریا به نام *Narmarratu* رود تلخ معروف بود نامی که آشوریان به آن داده بودند (دیاکونوف، ۱۳۵۷) و با تسلط ایرانیان به دریای پارس مشهور گردید. در دوران سلطنت هوخشتره، پادشاه معروف ماد وقتی امپراطوری مادها به اوج قدرت و عظمت رسیده بود حدود آن از جنوب به کرانه‌های جنوبی دریای پارس امتداد یافت (وانداماف، ۱۳۵۲). در دوران هخامنشی در نیروی دریایی ایران به موازات دیگر تشکیلات کشوری دگرگونی‌های بزرگی پدید آمد. در این عصر تسلط ایران بر دریاها و پیوستن کشور از راه دریا به هند و مصر ممکن گردید و بدین وسیله هخامنشیان قدرت پایداری در خاورمیانه و افریقای شمالی به وجود آوردند. در این دوره دریای پارس از جمله بنادر و جزایر آن طبق بند ششم ستون اول کتیبه بیستون جزو استان پارس بوده است (مشکور، ۱۳۷۱) گسترش دریانوردی و امور مربوطه در دوره هخامنشی امری آشکار است که در اولین گام، این مهم از خلیج فارس شروع گردید.

سینوس پرسینکوس نامی است که عمده متفکران، مورخان و جغرافیدان یونان باستان به خلیج فارس اتلاق کرده‌اند.

در زمان اشکانیان به ویژه در دوران سلطنت مهرداد اول، بنادر و جزایر دریای پارس تحت اداره این سلسله قرار گرفت. ایرانیان در روزگار امپراتوری پارت پیشرفت چشمگیری در کار دریانوردی کردند. پارتیان که بیش از ۴ قرن بر ایران حکومت داشتند بهره‌گیری از امکانات دریانوردی خلیج فارس را گسترش بیشتری بخشیدند زیرا مجبور به مقابله با ناوگان دریایی امپراتوری قدرتمند روم بودند. یکی از کانون‌های درگیری، دریای پارس بود. در دوران ساسانیان جزایر و بنادر خلیج فارس جزو قلمرو ایران محسوب می‌شد. در این دوره علاوه بر رومی‌ها اعراب نیز شروع به دست اندازی به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس نمودند. شاهان ساسانی از جمله شاهپور دوم متجاوزان عرب را تا قلب شبه جزیره عربستان پس رانده و آنان را گوشمالی سختی دادند. دریانوردی در عصر انوشیروان گسترش و اعتبار ویژه‌ای یافت. در همین دوران لشکریان ایران از راه خلیج فارس به یمن رفتند و مردم آن کشور را از اسارت حبشیان نجات دادند (افشار سیستانی، ۱۳۷۴).

در دوران پس از اسلام حکومت‌ها و سلسله‌های ایرانی بسته به قدرت و موقعیت خویش به خلیج فارس توجه داشتند. در سال ۳۲۳ هجری قمری،

آبهای سطح کره زمین را شامل می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۷۲). در ارتباط با مساحت خلیج فارس آمار و ارقام دیگری بیان گردیده است که به چند مورد اشاره می‌شود از جمله ۲۳۲۸۵۰، ۲۲۶۰۰۰، ۲۵۱۲۲۶، ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع که تا حد قابل توجهی با هم اختلاف دارند (عزتی، ۱۳۷۲) طول ساحل آن از دهانه اروندرود (شط العرب) تا بندرعباس ۱۲۵۹ کیلومتر می‌باشد.

خلیج فارس دارای شکل هلالی است که به طول ۸۵۰ کیلومتر از جزیره هنگام تا دهانه اروندرود (شط العرب) کشیده شده و پهنای آن بین ۲۰۰ تا ۳۶۰ کیلومتر متغیر می‌باشد. عمق آن کم و حداکثر عمق آن ۹۱ متر است در حالی که در بعضی نقاط عمق آن به حدود ۱۰ متر کاهش می‌یابد. خلیج فارس بر روی یک فلات قاره قرار گرفته و لبه سکوی آن در تنگه هرمز نمایان می‌شود (میر حیدر، ۱۳۶۶)

آب قابل ملاحظه‌ای که وارد خلیج فارس می‌شود از رود کارون و رودهای دجله و فرات است که پس از تشکیل اروندرود (شط العرب) به آن می‌ریزد. همچنین رودهای کوچک‌تر دیگری نظیر بهمنشیر، جراحی، زهره‌مند، دالکی، هندیجان و مهران آب قابل توجهی را به خلیج فارس هدایت می‌کنند.

از لحاظ بارش باید گفت که میزان بارندگی در خلیج فارس کم است با این وجود میزان باران دریافتی سواحل شمالی بیشتر از سواحل جنوبی است. به طوری که در سواحل عربستان مقدار باران در سال به ۱۰ سانتی متر ولی در سواحل شمالی در خرمشهر به ۲۰ و بوشهر به ۲۷ سانتی متر می‌رسد (حافظ نیا، ۱۳۷۲). مقدار آبی که هر سال وارد خلیج فارس می‌گردد کمتر از میزان تبخیر آن است بنابراین درصد شوری آب آن بیش از سایر مناطق آبی دنیا است. خلیج فارس با ویژگیهای خود یعنی کمی عمق، شوری آب، ارتباط محدود با آبهای آزاد جهان، اکوسیستم ویژه‌ای را تشکیل داده و مجموعه حیاتی وابسته و پیوسته‌ای را در کف، داخل، بالا و سواحل خلیج فارس به وجود آورده است. آبزیان خلیج فارس عمدتاً شامل پستانداران، پرندگان، ماهیان، بی‌مهرگان، جلبکها و انواع صدفها هستند (میرحیدر، ۱۳۶۹).

شرایط آب و هوایی گرم و خشک که ناشی از عرض پائین جغرافیایی و حصار صحرایی است دیگر ویژگی طبیعی خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. وزش بادهای مداوم و فصلی مانند باد شمال، سواحلی، قوس و ناشی در متلاطم کردن آب دریا، بروز طوفان شن و نزم، تخریب بندرگاهها و به وجود آوردن جریانهای سطحی نقش مهمی دارند. یکی از جریانهای سطحی که به صورت چرخشی در پهلوی جنوب غربی خلیج فارس در حرکت بوده و جهت آن خلاف حرکت عقربه‌های ساعت است، در توزیع مواد غذایی و شوری نقش مهمی دارد. جریانهای کشندی که در اثر تفاوت زمانی جزر و مد به وجود می‌آیند، در نزدیک رأس التنوره به یکدیگر نزدیک و دور می‌شوند. به این معنی که در جنوب شرقی رأس التنوره جریانهایی که جهت غربی دارند به طرف جنوب بر می‌گردند و جریانهایی که جهت شرقی دارند به طرف شمال. بروز نزم که به دنبال باد شمال در تابستان اتفاق می‌افتد باعث بوجود آمدن اختلافاتی در تردد دریایی می‌گردد (الهی، ۱۳۷۸).



مشکل حمل الواز از مازندران به بوشهر پیش روی نادر شاه بود. اما نادر شاه برای انجام این امر اراده آهنین داشت. کشتی سازی بوشهر به کار افتاد و سه فروند کشتی پانصد تنی ساخته شد. به منظور تهیه توپ‌های مورد نیاز کشتی‌ها نیز یک کارخانه توپ ریزی در بندر عباس ایجاد شد تا سیصد توپ مورد نیاز کشتی‌ها را آماده کند و در اواسط پائیز ۱۱۵۳ دو توپ مسی در کارخانه مزبور مهیا گردید (مدنی، ۱۳۵۷).

سقوط افشاریه باعث قدرت گرفتن برخی از گردنکشان محلی گردید که عملکرد آنها بر ضد منافع ملی ایران بود. یکی از این خودسران محلی ملا علی شاه حاکم هرمز بود که به دنبال قتل نادرشاه نه تنها از پرداخت مالیات سالانه به دولت ایران خودداری نمود بلکه از طریق ازدواج با شیوخ قاسمی وسیله نفوذ آنها در کرانه‌های خلیج فارس را فراهم کرد. شیخ قاسمی (حاکم رأس الخیمه) در سال ۱۷۵۱ ناوگانی از قایق‌های خود را به عنوان تبریک ازدواج دختر ملا علی شاه به کرانه‌های شمالی تنگه هرمز فرستاد. هدف اصلی، گسترش نفوذ در این مناطق بود (مجتهد زاده، ۱۳۷۳).

پس از مرگ نادرشاه و فروپاشی افشاریه، کریم خان زند حکومت را در دست گرفت. در این دوره توجه جدی به خلیج فارس و امور آن صورت نگرفت. به طوری که خان زند برای تصرف بصره توسط برادرش، سی کشتی از اعراب اجاره کرد که در شأن کشوری چون ایران نبود. با این حال کریم خان حمله به بصره را که رقیب خطرناک بنادر ایران و به ویژه بوشهر بود لازم می‌دانست.

حضور بیگانگان در خلیج فارس در دوره قاجاریه شدت گرفت. استعمار پیر انگلیس که در آن روزگار به عنوان قدرت برتر جهان بود، با تکیه بر توان نظامی و مالی، حضور خود در خلیج فارس را تحکیم می‌بخشید. این قدرت استثماری برای تضعیف حاکمیت و سلطه ایران در خلیج فارس از هجوم و تحرکات قبایل و طوایف عرب از جمله بنی کعب، وهابی‌ها، قواسم (جواسم)، خوارج و... علیه حکومت مرکزی ایران حمایت می‌کرد. در واقع این قبایل مجری سیاست بریتانیا در خلیج فارس بودند.

با کشف نفت اهمیت منطقه خلیج فارس دو چندان شد و نفت وارد مناسبات سیاسی، نظامی و بین‌المللی گردید و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد رو به رشد کشورهای قدرتمند یافت.

مسأله مهم دیگر ادامه روند واحد سازی بود. مقدمات چنین اقدام تاریخی قبلاً با دو زمینه بالکانیزاسیون و ایجاد و تقویت ناسیونالیسم در خاورمیانه فراهم شده بود. قدرتهای استعماری جهت توجیه اقدامات مخرب خود عنوان تولد دولتهای مستقل را برگزیده بودند. تا سال ۱۹۷۱ تمام امارت‌های شیخ نشین حاشیه جنوبی خلیج فارس استقلال یافتند.

در آغاز ژانویه ۱۹۶۸ دولت بریتانیا اعلام کرد که به علت مشکلات مالی تا نوامبر ۱۹۷۱ از شرق سوئز و منطقه خلیج فارس نیروهایش را خارج خواهد کرد. پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس آمریکا به منظور حفظ منافع اقتصادی خود و هم پیمانانش در خلیج فارس به اجرای سیاستهای جدیدی از جمله سیاست دو ستونه نیکسون پرداخت (میرحیدر، ۱۳۶۹) نتیجه عملی چنین سیاستی ورود ایالات متحده به معادلات سیاسی منطقه بود.

علی دیلمی (عمادالدوله)، فارس و بنادر و جزایر خلیج فارس از جمله ابوموسی را به تصرف درآورد و در مدت حکومت آل بویه در زمان عضدالدوله دیلمی این نواحی در قلمرو تحت فرمانروایی آنان بود. جزیره ابوموسی تا سال ۵۳۸ هجری قمری که حکومت سلجوقیان کرمان ادامه داشت، جزء قلمرو این سلسله بود که توسط حکومت دست نشانده آنان، یعنی بنی قیصر یا ملوک کیش اداره می‌شد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۹).

قبل از دیلمیان، صفاریان و به طور مشخص عمرو لیث برادر یعقوب صفاری بر فارس و بنادر و جزایر شمالی و جنوبی خلیج فارس حکومت می‌کرد. اتابکان فارس نیز حکومت جزایر خلیج فارس را به بلوک هرمز واگذار کرده بودند. در تمام دوره‌ها حکام ایرانی توجه ویژه‌ای به خلیج فارس داشتند. حاکمیت ایران بر سواحل جنوبی خلیج فارس در بسیاری از ادوار آن را به صورت دریای داخلی امپراتوری ایران درآورده بود.

قرن شانزده میلادی را باید زمان حضور فعال اولین بیگانگان در خلیج فارس دانست. اولین حرکت در قرن شانزدهم از سوی پرتغالی‌ها انجام گرفت. در این قرن قدرت برتر اروپا کشور پرتغال بود. آلفونس آلبوکرک دریا سالار پرتغالی در سال ۱۴۹۲ میلادی حرکت خود را به سوی شرق آغاز کرد. آلبوکرک به سال ۱۵۰۶ میلادی یعنی سال ششم سلطنت شاه اسماعیل اول با ناوگانی مرکب از چهارده کشتی جنگی به بحر عمان و خلیج فارس حمله ور شد (رائین، ۱۳۵۶).

وی در سر راه خود به خلیج فارس مسقط را اشغال کرد و پس از حمله به بندر هرمز نام آن را به بندر گمبرون تغییر داد. با به قدرت رسیدن شاه عباس، سلطان مقتدر صفوی و حمله سپاه وی و رشادت ایرانیان، پرتغالی‌ها در سال ۱۰۰۹ هـ از خلیج فارس اخراج گردیدند. پرتغالی‌ها در عرض یکصد سال حضور خود در خلیج فارس جنایات بی شماری مرتکب شدند. شاه عباس پس از باز پس‌گیری بندر گمبرون نام آن را به بندر عباس تغییر داد.

پیروزی لشکر ایرانی بر نیروهای اشغالگر پرتغالی با تدبیر و اندیشه دو فرمانده دلیر ایرانی به نامهای الله وردیخان و امام قلی خان (پدر و پسر) میسر گردید. پس از اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس انگلیسی‌ها وارد این دریا شدند. برای نیروهای انگلیسی کمک به دربار ایران در اخراج پرتغالی‌ها مجوز ورود به خلیج فارس تلقی می‌شد. هلندی‌ها نیز که در قرن هفدهم قدرت برتر اروپا بودند خواستار حضور در خلیج فارس شدند. ورود هلندیها به خلیج فارس در سال ۱۶۰۷ میلادی یعنی دقیقاً یکصد سال پس از ورود کشتیهای آلبوکرک پرتغالی صورت گرفت. از این زمان رقابت شدیدی بین استعمارگران هلندی و انگلیسی آغاز گردید.

با ظهور نادرشاه که بعدها به ناپلئون آسیا مشهور شد موجودیت و حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران احیاء گردید. نادرشاه اهتمام ویژه به احیا و تقویت نیروی دریایی ایران داشت. وی توجه خاصی به تجدید حاکمیت ایران بر سواحل خلیج فارس و دریای خزر مبذول می‌کرد.

طرح نادرشاه ایجاد دو نیروی دریایی قوی یکی در جنوب و دیگری در شمال بود (الهی، ۱۳۷۸). نادر شاه دستور احداث کارخانه کشتی سازی در بوشهر را صادر کرد. برای تحقق چنین امر مهمی مشکلات فراوانی از جمله

وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) تمام معادلات سیاسی منطقه را در هم ریخت و بعد از این تاریخ هر گونه تحولی با حساسیت فراوان پیگیری می‌شد. در طی سه دهه گذشته منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس شاهد حوادث خونینی بوده که برخی از آنها عبارتند از: وقوع جنگ ایران و عراق، اشغال کویت توسط عراق، اخراج عراق از کویت و اشغال عراق توسط نیروهای غربی به رهبری آمریکا.

اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس

اهمیت خلیج فارس ریشه در گذشته دارد اما آنچه امروزه از آن با عنوان اهمیت ژئوپلیتیک یاد می‌شود نقش این منطقه در ساختار نظامی - سیاسی منطقه‌ای و اقتصاد جهانی در عصر کنونی است.

قبل از جنگ جهانی دوم اراده سیاسی و اقتصادی به مفهوم بومی و منطقه‌ای جهت حرکت به سوی یک ساختار و تشکیلات نظام سیاسی در منطقه خلیج فارس وجود نداشت. با اکتشاف نفت به عنوان مهمترین منبع انرژی و تحولات پس از آن، مسائلی چون جستجوی امنیت منطقه‌ای، همکاریهای متقابل اقتصادی، همگرایی‌های سیاسی و اجتماعی زمینه‌های مناسب همکاری را فراهم آورد. اما از آنجائیکه یک مدل قابل قبول و مورد اتفاق همه وجود نداشت و تعریف نشده بود، منافع ملی برخی از کشورهای منطقه در تقابل با همگرایی‌های منطقه‌ای قرار گرفت. بنابراین دولت‌ها تحت تأثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در حالت همکاری، رقابت و تعارض یا یکدیگر بسر می‌بردند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰) ماهیت روابط بین کشورهای در برخی موارد به گونه‌ای ابهام‌آمیز در راستای منافع قدرتهای بزرگ شکل گرفت. زمینه‌های همکاری‌های نیم بند در پس تخاصم و تعارض پنهان شده بود و رقابت به طور جدی در حال شکل‌گیری بود. اقلیم سیاسی حاکم بر محیط بین‌المللی خلیج فارس پس از پایان جنگ دوم جهانی فضایی ناهمگن در مفهوم جغرافیایی آن به وجود آورده بود. عاملی که این روند را تشدید می‌کرد کشف روز افزون منابع نفتی و وابستگی جهان صنعتی در حال رشد به این ماده حیاتی بدبو بود. با گذشت زمان نفت علت وجودی برخی از کشورها گردید. تحدید حدود مرزهای سیاسی بر روی خشکی و دریا تحت تأثیر نفت قرار گرفت (میرحیدر، ۱۳۶۹).

تحولات پس از دوران جنگ سرد نشان داد که منطقه خلیج فارس همچنان در ساختار سیاسی - اقتصادی جهان نقش آفرین خواهد بود. در سطح جهانی با گذشت زمان اگر چه بازیگران کم قدرت ناچار جای خود را به حریف نیرومندتر داده‌اند، اما اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس به علل موقع استراتژیک و وجود منابع انرژی همچنان محفوظ مانده و تا آینده قابل پیش بینی باقی خواهد ماند (مجتهد زاده، ۱۳۷۹). ویژگی برجسته دیگر خلیج فارس ارائه یک مدل ویژه و منحصر به فرد می‌باشد. این منطقه ملت‌هایی را شامل است که از نظر فرهنگی متفاوت هستند ولی از نظر مشغله‌های سیاسی، استراتژیک و اقتصادی دارای تجانس می‌باشند. در این منطقه، ژئوپلیتیک در دو مقیاس به کار گرفته شده است. ژئوپلیتیک منطقه‌ای و ژئوپلیتیک جهانی.

منازعه ژئوپلیتیک در بین کشورهای منطقه دارای ماهیتی سرزمینی، سیاسی و تا حدی ایدئولوژیک و یا فرهنگی بوده است. کشورهای واقع در کرانه‌های خلیج فارس هنوز به مدل قابل پذیرش همگانی در زمینه نظام سیاسی - منطقه‌ای دست نیافته‌اند ولی با وجود این به چند دلیل عمده حوزه خلیج فارس از ویژگی‌های ژئوپلیتیک منحصر به فرد برخوردار است. میزان ذخایر نفت حوزه خلیج فارس طبق برآوردهای صورت گرفته ۶۶ درصد از مجموع کل ذخایر جهانی است که درصد بسیار قابل توجهی است. همچنین ذخایر گازی در خلیج فارس ۳۵ درصد از کل ذخایر گازی جهان است. (U.S Energy Information Administration, 2002)

بیشترین ذخایر نفتی در حوزه خلیج فارس از آن کشور عربستان سعودی می‌باشد و کشور بحرین کمترین ذخایر نفتی را دارد. همچنین ایران بیشترین ذخایر گازی در خلیج فارس و دارنده مقام دوم در جهان بعد از روسیه است. در میان کشورهای حوزه خلیج فارس بحرین و عمان دارای کمترین منابع گازی هستند.

در حال حاضر میزان نفت تولیدی از حوزه خلیج فارس توسط ۶ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، امارت متحده عربی و قطر که همگی عضو کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند، بالغ بر ۲۸ درصد مجموع تولید جهانی است. میزان تقاضای جهانی برای نفت امروزه در حدود ۸۶/۶ میلیون بشکه در روز است (Opec Bulletin / August 2008)

پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ تقاضای جهانی برای نفت روزانه به ۱۱۱/۵ میلیون بشکه در روز برسد. در این صورت تقاضای جهانی برای نفت خلیج فارس افزایش یافته و احتمالاً به ۴۹/۸ میلیون بشکه در روز برسد که در آن صورت سهم خلیج فارس در تولید نفت به حدود ۴۵ درصد از کل تولید جهان خواهد رسید (Cordsman / 1999). از آنجائیکه بشر هنوز به یافتن جایگزینی مطمئن برای نفت موفق نشده و چون پیش بینی می‌شود که مهمترین تحولات اقتصادی در جنوب شرق آسیا اتفاق بیافتد و کشورهای این منطقه جهش‌های اساسی برای پیشرفت اقتصادی بردارند، با توجه به اینکه منطقه خلیج فارس نزدیک‌ترین مبدأ برای صدور انرژی به این بخش از جهان است، بر اساس پیش بینی‌ها اهمیت خلیج فارس از این منظر روز به روز افزایش خواهد یافت.

علاوه بر بعد انرژی منطقه خلیج فارس نقش ارتباطی مهمی در سطح منطقه و جهان داراست. این نقش البته یک نقش تاریخی است. از گذشته‌های دور خلیج فارس در تداوم ارتباطات بشری نقش اساسی داشته است. از زمانی که اولین کاروان‌ها در مسیر جاده ابریشم به راه افتادند تا عصر کنونی، پس از فروپاشی شوروی اهمیت خلیج فارس دو چندان شده است. ایران با در اختیار داشتن بیشترین طول سواحل در خلیج فارس و موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد می‌تواند ارتباط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با جهان خارج را از طریق خلیج فارس امکانپذیر سازد کما اینکه تلاشهایی در این زمینه صورت گرفته و اخیراً تفاهم نامه‌ای بین ایران و هند و روسیه برای ایجاد مسیر ارتباطی شمال به خلیج فارس تحت عنوان کریدور شمال - جنوب امضاء شده و سایر کشورهای آسیای مرکزی برای پیوستن به آن تمایل دارند.



ژئوپلیتیک زیست محیطی

مانند جبر محیطی و ژئوپلیتیک امپریالیستی، مفهوم اکولوژی و ایده‌های مربوط به آن که نوع بشر توانسته به طور گسترده خسارت‌های عمده‌ای را به سیستم‌های طبیعی وارد نماید به قرن نوزده باز می‌گردد.

این ایده‌ها پس از جنگ دوم جهانی به موضوعات بسیار گسترده‌ای تبدیل شده و در دهه‌های اخیر به موضوع مهم در مباحث ژئوپلیتیک عمومی وارد گردیده‌اند (o tuathail, 1999) و اما اینکه دقیقاً از چه زمانی واژه ترکیبی ژئوپلیتیک محیط زیست رواج عمومی یافته، مشخص نمی‌باشد.

آنچه امروزه از آن تحت عنوان محیط جغرافیایی یاد می‌کنیم طبیعت انسان زده‌ای است که می‌توان اثرات دخالت انسان را بر چهره آن هویدا یافت. دستیابی نوع بشر به تکنولوژیهای برتر باعث تحول عظیم در روابط بین او و طبیعت گردیده است. در عصر حاضر فاصله جغرافیایی به طور محسوس اثر خود را در ارتباطات از دست داده است. اما اگر چه امروزه شاهد تحولات عظیم زندگی نوع بشر و همچنین پیشرفتهای خیره کننده برخی کشورها در زمینه‌هایی چون صنعت و اطلاعات هستیم، از طرفی تخریب طبیعت و زوال تدریجی انواع موجودات، گیاهان و آلودگی عناصر اساسی طبیعت آب، خاک و هوا را به چشم خویش مشاهده می‌کنیم. عارضه افزایش بی رویه جمعیت بخش عمده‌ای از امکانات طبیعی و انسانی را تحت الشعاع خود قرار داده است. افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، جنگل‌ها یا زمینهای مرطوب چراگاههای مسطح را مورد تجاوز قرار داده و هر روز مردم بیشتری در غارت منابع طبیعی شرکت دارند. برآورد می‌شود از اواسط سده بیستم به تنهایی، جهان نزدیک به یک پنجم خاک سطحی زمینهای زیر کشت، یک پنجم جنگلهای بارانی استوایی و حدود دهها هزار نوع گیاه و حیوان را از دست داده است. جنگلهای بارانی با سرعتی بیش از همیشه در حال از بین رفتن هستند.

انتشار گازهای مخرب که آثار گلخانه‌ای همراه داشته و باعث افزایش دمای کره در سالهای گذشته گردیده از یک طرف و تولید انواع زباله‌های صنعتی، خانگی، بیمارستانی و از همه مهمتر زباله‌های اتمی از طرف دیگر محیط زندگی انسانها را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. انتشار گازهای تخریب‌گر CFC لایه ازن را سوراخ کرده که در نتیجه آن انسان در برابر اثرات مستقیم و غیر مستقیم آن قرار دارد.

ژئوپلیتیک محیط زیست از آنجائیکه از جنبه‌های مختلف با مفاهیم امنیت گره خورده، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. در دهه‌های اخیر توجه عمومی دولتها به خطرات آلودگی آب و هوا، غذای مسموم، آلودگی محیط شهری، روستایی، آلودگی صنعتی، تخریب مراتع، قطع بی رویه جنگل‌ها و تخریب زمینهای کشاورزی، باعث پیدایش سازمانهای دولتی و تقویت سازمانهای غیر دولتی در راستای حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب بیشتر آن گردیده است. موضوع حفاظت محیط زیست در داخل قلمروهای ملی امری است مربوط به جغرافیایی سیاسی، اما از آنجائیکه هر گونه تخریب در اکوسیستم‌های طبیعی و عناصر اساسی طبیعت مرزهای ملی را در می‌نوردد و هیچ گونه حصار را بر نمی‌تابد در نتیجه برای

دستیابی به امنیت مورد قبول، همکاری تمام کشورها ضروری است و بنابراین حفاظت محیط زیست از حالت ملی خارج و امری بین المللی و ژئوپلیتیکی می‌گردد.

امروزه مدیریت محیط و توجه به اصول توسعه پایدار از ویژگی‌های توسعه می‌باشد. حتی اگر امنیت زیست محیطی را مبتنی بر توانایی محیط جغرافیایی در برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان از جمله آب و غذا تلقی کنیم در این صورت هم بحث محیط زیست امری ژئوپلیتیکی است و همکاری همه کشورها لازم و ضروری می‌باشد. کما اینکه هر گونه تخریبی در طبیعت عواقب ناگواری را بر جامعه بشری تحمیل خواهد کرد.

محیط زیست خلیج فارس و عوامل مؤثر در آن

اگر چه از نظر اکولوژیکی خلیج فارس جزو مناطق منحصراً به فرد است، اما شرایط حاکم بر این دریا نیز ویژه می‌باشد و می‌تواند به شدت نظام اکولوژیکی منطقه را بر هم زند. از جمله شرایط طبیعی و غیر طبیعی حاکم بر خلیج فارس که محیط زیست آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌توان به مواردی چون:

- ۱- خصوصیت نیمه بسته بودن و تبادل و جابجایی اندک و ناچیز با اقیانوس هند از طریق تنگه هرمز و دریای عمان
- ۲- تبخیر بیش از میزان تغذیه
- ۳- شوری بیش از میانگین معمول
- ۴- ورود پساب‌های صنعتی و غیر صنعتی
- ۵- تخلیه نمک و املاح حاصل از شیرین کردن آب دریا
- ۶- تخلیه آب توازن نفتکش‌ها که همراه خود نفت خام را وارد دریا می‌کنند.
- ۷- ورود آب گرم حاصل از خنک کردن نیروگاهها.

در سال بیش از ۱۰ هزار شناور به خلیج فارس تردد می‌کنند که ۷۵ درصد آنها برای حمل نفت خام به این دریا می‌آیند (جوان، ۱۳۸۶). خلیج فارس یک آبراه بین المللی است که نقش آن در انتقال انرژی مصرفی جهان در آینده بیشتر خواهد شد. در حال حاضر سالانه بیش از ۱/۵ میلیون تن نفت خام وارد آبهای خلیج فارس می‌شود که در نوع خود یک فاجعه زیست محیطی است. این میزان نفت حاصل نشت نفت از لوله‌ها، تأسیسات نفتی و تخلیه آب بالانس کشتی‌هاست. حدود ۳۸ درصد آب بالانس نفتکش‌ها دارای نفت خام می‌باشند. با افزایش تولید نفت آلودگی حاصل از این فعالیت نیز بیشتر خواهد گردید. هم اکنون روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از طریق خلیج فارس جابجا می‌شود. حمل هر روزه چنین مقدار عظیم نفت آثار زیانباری به دنبال داشته است. آلودگی‌های نفتی به اشکال گوناگون بر محیط زیست این دریا اثر می‌گذارد. آلودگی نفتی مستقیم یا غیر مستقیم روی عناصر و منابع زنده محیط اثر گذاشته باعث از بین رفتن آنی یا تدریجی آنها می‌شود. بیشترین اثرات آلودگی نفتی روی جوامع گیاهی کف دریا و جزایر مرجانی که خود محل مناسبی برای تکثیر و لانه‌گذاری ماهیان و رشد لارو آنهاست، گذاشته می‌شود. از بین رفتن جوامع گیاهی در اثر آلودگی‌های نفتی در خلیج فارس باعث کاهش جمعیت جانوران تغذیه

کننده از گیاهان از قبیل خرچنگها، لاک پشتها و گاوهای دریایی و همچنین میگوها می‌شود. لابه‌های نفت روی آب باعث افزایش جذب نور آفتاب و افزایش درجه حرارت محیط و به هم خوردن روند فعل و انفعالات اکولوژیک و زیستی در محیط می‌شوند. (منافی، ۱۳۶۹).

ساخت جزایر مصنوعی از مسائل زیست محیطی دیگر در خلیج فارس می‌باشد. این مسأله عمدتاً از سوی فدراسیون امارات متحده عربی تعقیب می‌شود، اگر چه کشورهای دیگر سواحل جنوب خلیج فارس هم ممکن است دارای برنامه‌هایی در این زمینه باشند. امارات متحده برای جذب سرمایه‌های خارجی و رونق اقتصادی و جذب توریست به ساخت مجتمع‌های ساحلی پرداخته است. این فعالیت‌ها سلامت دریا و محیط زیست آن را هدف قرار داده‌اند. این فدراسیون با افتتاح پروژه‌ای تحت عنوان نخل ثابت کرد که به محیط زیست خلیج فارس به هیچ وجه اهمیت نمی‌دهد و تنها به منافع خود در کوتاه مدت می‌اندیشد.

امارات متحده ساخت ۳۰۰ جزیره مصنوعی دیگر در سواحل این کشور را در حال اجرا دارد که وضعیت محیط زیست خلیج فارس را پیچیده‌تر خواهد کرد. برای ساخت هر جزیره باید فیزیک ساحل و دریا در جایی که جزیره ساخته می‌شود دگرگون شود ضمن اینکه اکوسیستمهای دریایی نیز از بین خواهند رفت.

علاوه بر تمامی موارد پیش گفته مسائل حقوقی مترتب بر چنین تغییراتی را نیز باید بر شمرد. به طور حتم دستگاه دیپلماسی کشورمان باید ضمن اعتراض به ایجاد تغییر در سواحل امارات، بر استفاده از خط مبدأ پیش از ایجاد جزایر در مذاکرات مربوط به تحدید حدود مرز در آینده تأکید نماید. از دیگر اقدامات مخرب ساکنین سواحل خلیج فارس هدایت فاضلاب‌های شهری و صنعتی به داخل این دریا می‌باشد. همه کشورهای ساحلی خلیج فارس در پیدایش این وضعیت نامطلوب دخالت داشته‌اند. تمرکز فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در کنار سواحل خلیج فارس امکان خوبی برای بخش صنعت فراهم کرده تا بدون کمترین هزینه از دست فاضلاب‌های صنعتی رها شوند و آنها را بدون کمترین پالایش وارد دریا نمایند.

امارات متحده ساخت ۱۰ میلیون تن انواع فاضلاب توسط کشورهای ساحلی در خلیج فارس رها می‌شود. این مسأله به خصوص در مناطق صنعتی و پتروشیمی بسیار برجسته است. مجتمع پتروشیمی عسلویه یکی از آلاینده‌های خلیج فارس می‌باشد (تابناک، مهر ۱۳۸۷).

وجود دستگاههای آب شیرین‌کن و تداوم فعالیت آنها از موارد دیگر آلودگی خلیج فارس می‌باشد. حوضه خلیج فارس به علت دریافت باران کم با کمبود آب شیرین مواجه است. از طرفی به دلیل تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در سواحل خلیج فارس به خصوص سواحل جنوبی، گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین و نیاز به آب شیرین برای مصارف شرب و بهداشتی بیشتر می‌شود.

از آنجائیکه بهره برداری از منابع آبی موجود کفاف نیازهای روز افزون را نمی‌دهد شیوه‌های مختلف تأمین آب مورد توجه قرار گرفته‌اند که یکی از آنها بدست آوردن آب شیرین از آب شور دریاست. برای این منظور

سحل آخر

مسأله امنیت زیست محیطی خلیج فارس به عنوان یک الزام امنیتی - بین المللی مقوله‌ای پر اهمیت برای همکاری در امور منطقه‌ای است. تعیین قلمروهای ملی در دریا و پذیرش مسئولیت بر اساس معاهدات جهانی و کنوانسیون ۱۹۸۲ جهت حفظ محیط زیست دریا و همکاری بین المللی عامل مهم در سلامت زندگی طبیعت بی جان و جاندار در خلیج فارس می‌تواند باشد.

وقوع بحرانهای زیست محیطی در گذشته و احتمال بروز فاجعه‌های خطرناک زیست محیطی در آینده، همکاری کشورهای ساحلی را جهت حفاظت از محیط زیست خلیج فارس طلب می‌کند. برای نمونه می‌توان به آثار زیست محیطی جنگ دوم خلیج فارس اشاره کرد. با وقوع جنگ عراق و کویت در سال ۱۹۹۱ حدود ۸۰۰ حلقه چاه به مدت ۲۵۰ روز آتش سوخت و آلودگی ناشی از سوختن این چاهها از طریق جو و رودخانه به خلیج فارس راه یافت. حدود هشت میلیون بشکه نفت نیز مستقیماً و به صورت عمدی به خلیج فارس سرازیر گردید (مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، ۱۳۷۴).

درک منطقه‌ای از مسائل و چالش‌های زیست محیطی در خلیج فارس اولین بار به سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد. در این سال دفتر برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (unep) اعلام کرد که امکانات علمی و فنی خود را در اختیار کشورهای ساحلی خلیج فارس خواهد گذارد. چراکه از نظر این دفتر، منطقه و در رأس آن خلیج فارس دارای شرایط ویژه زیست محیطی می‌باشند. پس از فراهم آمدن مقدمات، اولین شکست کنوانسیون منطقه‌ای در سال ۱۹۷۸ میلادی صورت گرفت و با عنوان سازمان منطقه‌ای حفاظت از



محیط زیست دریایی R.O.P.M.E یا کنوانسیون کویت مورد شناسایی کشورها قرار گرفت (دهزاد، ۱۳۷۴).

مهمترین وظیفه مترتب بر این کنوانسیون، بحث و تبادل نظر در مورد مسائل محیطی می‌باشد که تاکنون موفق به انجام آن نشده است. امر مسلم آن است که شرایط کنونی خلیج فارس به علت عدم انجام اقدامات اساسی توسط کشورهای کرانه‌ای حادثتر از سال ۱۹۷۴ می‌باشد و روند آن ادامه دارد و حتی وقوع بحرانهای زیست محیطی چون به آتش کشیده شدن چاههای نفت کویت توسط عراق و تخلیه میلیون‌ها تن نفت خام توسط این کشور و یا غرق شدن یک نفت کش روسی به نام کاپیتان ساخاروف که اثرات زیست محیطی مخربی را در پی داشتند، اگر چه باعث همکاری محدود بین برخی از کشورها گردید، اما عاملی برای تداوم همکاری و مساعدت بین المللی منطقه‌ای نگردیده است. در حالیکه انتظار می‌رفت تمایل جدی کشورهای ساحلی از وضعیت شعار خارج و جنبه عملی به خود بگیرد. منطقه خلیج فارس به عنوان بزرگترین مخزن انرژی در جهان سالهای حساسی را پشت سر می‌گذارد. آبهای نیلگون آن عامل پیوند اقتصادی کشورهاست و بر پهنه آن روزانه میلیون‌ها بشکه نفت برای مصرف در صنایع جهان حمل می‌شود که عامل بالقوه تهدید زیست محیطی می‌باشند.

محیط طبیعی خلیج فارس اتخاذ روش عملی در ژئوپلیتیک زیست محیطی منطقه را برای کشورهای ساحلی الزامی می‌کند. شرایط حاکم بر این دریا ویژه است و می‌تواند در نظام اکولوژیکی آن اختلال ایجاد کند.

مشاهده عملکرد چند ساله حاکی از این است که همه کشورهای منطقه در برخورد با مسائل محیط زیست خلیج فارس نه تنها در کنار یکدیگر نبوده، بلکه در مواردی در تقابل با همدیگر قرار داشته‌اند. منافع زیست محیطی منطقه‌ای به عنوان یک محور و اصل اساسی، همکاری کشورهای هم کرانه خلیج فارس را می‌طلبد. بدون همکاری کشورهای ساحلی امکان نجات خلیج فارس وجود ندارد و اگر این تخریب‌ها همچنان ادامه یابند شاهد مرگ تدریجی خلیج فارس با همه زیبایی‌هایش خواهیم بود. حساسیت‌های ما نباید تنها به تلاش برای حفظ نام تاریخی خلیج فارس و جلوگیری از تحریف آن محدود شود. حفظ حیات این دریا به اندازه حفظ نام آن مهم است. اگر زندگی آن نابود شود و این دریا تخریب گردد از اهمیت نام آن نیز کاسته خواهد شد.

مسئولیت ما در حفظ محیط زیست این دریا بیش از دیگران است و شایسته است که به این وظیفه به درستی عمل کنیم. ضمن اینکه دیگران هم به اندازه ما وظیفه دارند. همه کشورهای کرانه‌ای خلیج فارس از تخریب آن آسیب خواهند دید. شایسته است همه با هم برای حفظ سلامتی این پهنه بزرگ آبی تلاش کنیم. هر اقدامی که بتواند ما را در حفظ حیات این دریا یاری کند اقدام پسندیده‌ای است. اقداماتی چون وضع مالیات زیست محیطی بر نفت منطقه و جلوگیری از ورود نفت به دریا، جلوگیری از ورود فاضلاب‌های شهری و صنعتی، توقف تغییر سواحل و ساخت و سازهای ساحلی، بهینه کردن شیوه‌های تهیه آب شیرین از دریا، توقف برداشت ماسه از دریا و...

منابع و مآخذ

- ۱- افشارستانی، ابرج، جزیره ابوموسی، مجموعه مقالات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۴۷.
- ۲- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، نشر قومس، ۱۳۷۸.
- ۳- حافظ‌نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، ۱۳۷۱.
- ۴- درایسدل، آلسدایر، جردالداچ بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.
- ۵- دهزاد، بهروز، حفاظت از محیط زیست خلیج فارس عاملی برای همبستگی کشورهای پیرامون آن، مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
- ۶- دیاکوتوف، الف-م، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- ۷- راتین، اسماعیل، دریاتوری ایران، جلد دوم، سازمان انتشارات جاویدان ۲۵۳۶.
- ۸- روزنامه جوان، ۱۶ آذرماه ۱۳۸۶.
- ۹- سایت خبری نایناک، ۶ مهر ۱۳۸۷.
- ۱۰- عزتی، عزت‌الله، جغرافیای نظامی ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- ۱۱- گروه تحقیقات ویژه مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، علم و تکنولوژی در خدمت تفاهم و توسعه انسانی و پایدار منطقه خلیج فارس، مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
- ۱۲- مجتهدزاده، پیروز، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.
- ۱۳- مجتهدزاده، پیروز، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، نشرنی، ۱۳۷۹.
- ۱۴- محیط طباطبایی، سیدمحمد، سرزمین بحرین، مجموعه مقالات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
- ۱۵- مدنی، سیداحمد، محاکمه خلیج فارس نویسان، انتشارات توس، ۲۵۳۷.
- ۱۶- مشکور، جواد، جغرافیای تاریخی ایران باستان، دنیای کتاب، ۱۳۷۱.
- ۱۷- منافی، هادی، حفاظت محیط زیست، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
- ۱۸- میرحیدر، دره، مهاجرانی، ژئوپلیتیک تنگه هرمز و خلیج فارس، سیاست خارجی، شماره ۱، دی و اسفند ۱۳۶۶.
- ۱۹- میرحیدر، دره، جغرافیای سیاسی طرحهای تفکیک تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
- ۲۰- واندانما، م-الف، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
- ۲۱- یغمای، اقبال، خلیج فارس، از انتشارات اداره کل نگارش و ارتقاء فرهنگ و هنر، بی‌تا.
- 22- Cordsman, Anthony H., the Midel East and Geopolitics of Energy: A Graphic Analysis, Part one, CSIS. Washington DC, 1999.
- 23- Otuathil, Geariod, Simon Dalby and P. Routledge, the Geopolitics Reader, Routledge, 1999.
- 24- OPEC Bulletin, August 2008.
- 25- United States Energy Information Administration, March 2002.